

Sorry, I Didn't Catch That | Small Talk in English, Episode 4

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

275 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

I once hid in a bathroom for eight minutes.

.....

یه بار 8 دقیقه تو یه دستشویی قایم شدم

At a party?

.....

تو یه مهمونی؟

At a wedding.

.....

توی یه عروسی

Trapped in a conversation about insurance.

.....

توی یه مکالمه در مورد بیمه گرفتار شدم

Twenty-five minutes of insurance.

.....

بیست و پنج دقیقه بیمه

And you could not get out.

.....

و تو نمیتونستی بیرون بیای

So I said I needed the bathroom, and I stayed in there.

.....

پس گفتم که باید برم دستشویی و اونجا ماندم

Doing what?

.....

چیکار میکنی؟

Looking at my own face.

.....

به صورت خودم نگاه میکنم

Waiting.

.....

منتظرم

And then?

.....

و بعدش؟

And then I came out, and he was standing by the door.

.....

و بعدش من بیرون اومدم و اون کنار در ایستاده بود



No.

نه، نه، نه.

He said, where were we?

گفت، کجا بودیم؟

Here is my question.

این سوال منه

Why did you not simply say you were going?

چرا به من نگفتی که داری میری؟

Because I did not know how.

چون نمی دونستم چطوری

And you are fluent.

و تو روان صحبت میکنی

I am fluent, and I hid in a bathroom.

من به زبان انگلیسی مسلطم و توی دستشویی مخفی شدم

Welcome to Your English Toolbox, the podcast that trains your English while you live your real life.

به کتابخانه انگلیسی شما خوش آمدید، پادکست که در حالی که زندگی واقعی را می‌گذرانید، انگلیسی شما را آموزش می‌دهد.

I am Martin.

من مارتین هستم

And I am Julia.

و منم جولیا هستم

This is the fourth conversation in our series about small talk in English.

این چهارمین گفتگو در مجموعه ما درباره گفتگوی کوچک به زبان انگلیسی است.

We have started a conversation.

ما به گفتگو شروع کردیم

We have kept it going.

ما ادامه دادیم

We have made it real.

ما اینو واقعی کردیم

And today, the four things that actually happen in a real conversation.

و امروز، چهار چیز که در واقع در یک مکالمه واقعی اتفاق می افتد.



The four things nobody teaches you.

چهار تا چیز که هیچکس بهت یاد نمیده

You do not understand something.

تو یه چیزی رو نمی فهمی

The room is too loud.

اتاق خیلی سریع

There is a group of four people already talking.

یه گروه چهار نفره هست که دارن صحبت میکنن

And at some point, you have to leave.

و یه موقعی، تو باید بری

Let us start with the big one.

بذار با بزرگترش شروع کنیم

The one that stops people for years.

اون چیزی که مردم رو برای سالها متوقف میکنه

You did not understand.

تو متوجه نشدی

You did not understand, and now there is a silence, and the other person is looking at you.

تو متوجه نشدی و حالا سکوت هست و اون شخص دیگه بهت نگاه میکنه

And what do most people do?

و بیشتر مردم چیکار میکنن؟

They nod.

سرشون رو تکان میدن

They nod.

سرشون رو تکان میدن

And they smile, and they say yeah, and they hope the conversation moves on.

و لبخند میزنند و میگن آره و امیدوارن که گفتگو ادامه پیدا کنه

And here is the thing about nodding.

و اینم یه چیز درباره ی اینکه با سر میزنی

It works once.

یه بار جواب میده



And then they ask you a question about the thing you did not understand.

و از تو چیزی می پرسند که از آن آگاهی نداری.

And now you are two sentences deep into a conversation you are not in.

و حالا تو دو جمله توی یه مکالمه ای هستی که توش نیستی

So let us fix it properly, because there is a scale.

پس بذار درستش کنیم، چون یه مقیاس وجود داره.

Give me the scale.

سنجش رو بده به من

At the top, the shortest one.

در بالا، کوتاه ترین

Sorry?

بخشید؟

One word.

یه کلمه

And it is not rude at all.

و اصلا هم بی ادب نیست

It is not rude, and this matters, because many of our listeners were taught to say what.

این کار بی رحمانه نیست و این مهم است، چون بسیاری از شنوندگان ما یاد گرفته اند که چه بگویند.

And what sounds abrupt.

و اون چیز ناگهانی که به نظر میاد

Sorry sounds like a question.

متاسفم مثل یه سوال به نظر میرسه

What sounds like an accusation.

به نظر یه اتهام میاد

Next level.

سطح بعدی

Sorry, I did not catch that.

متاسفم، من اون رو نشنیدم

To catch something.

برای گرفتن یه چیزی



If you did not catch it, the sound did not reach you properly.

اگر این کار را نکردید، صدا به درستی به شما نرسید.

It is not a confession that your English failed.

اعتراف نیست که انگلیسی تو شکست خورده

That is a beautiful distinction.

این یه تمیز خوبه

It is the most useful word in this episode.

این مهم‌ترین بخش از این داستان است.

And the next level?

و سطح بعدی؟

This is the one I want you to actually use.

این یکی هست که میخوام تو واقعا ازش استفاده کنی

Be specific about what you missed.

در مورد چیزی که از دست دادی مشخص باش

Not I do not understand.

نه، من نمی فهمم

When you can, be specific rather than saying I do not understand.

وقتی که می‌توانی، به جای اینکه بگویی نمی‌فهمم، دقیق باش.

Because that gives the other person more to work with.

چون این کار به اون شخص دیگه فرصت بیشتری برای کار کردن میده

They do not know what to repeat, so they repeat everything, usually louder.

اونانمی دونن چی رو تکرار کنن، پس همه چی رو تکرار می کنن، معمولا با صدای بلندتر.

Which does not help.

که کمکی نمیکنه

Which never helps.

که هیچوقت کمکی نمیکنه

Instead.

به جای اون

I did not catch the name.

اسمش رو نشنیدم



I did not get the last bit.

.....

من آخرین قسمت رو فهمیدم

Sorry, which day did you say?

.....

بخشید، کدوم روز گفتی؟

You are telling them exactly what to fix.

.....

تو دقیقاً بهشون میگی چی رو درست کنن

And the whole thing takes one second instead of thirty.

.....

و کل کار به جای سی ثانیه یک ثانیه طول میکشه

And the full version, when you really need it?

.....

و نسخه کاملش رو، وقتی واقعا بهش نیاز داری؟

Would you mind saying that again, a bit slower?

.....

میشه دوباره بگی، یه کم آرام تر؟

And one thing about permission.

.....

و یه چیز درباره ی اجازه

Asking somebody to repeat does not make you look bad at English.

.....

از کسی که تکرار میکنه نمیخواهی که انگلیسیت بد به نظر بیاد

It makes you look interested.

.....

به نظر علاقه مند میای

It says, what you are saying matters enough that I want to get it right.

.....

میگه، اون چیزی که داری میگی به اندازه کافی مهمه که بخوام درستش کنم

And the people who nod?

.....

و مردمی که سرشون رو تکان میدن؟

They are communicating something too.

.....

اونا هم دارن یه چیزی رو به ما میگو

They may be signalling, I am lost, even when they do not mean to.

.....

ممکنه به من نشون بدن که گم شدم، حتی وقتی که نمیخوان.

Right.

.....

درسته

Second thing.

.....

دومی



The room.

.....

اتاق

Oh, the room.

.....

اوه، اتاق

A bar, a party, a canteen at lunchtime, a building site, a bus.

.....

یه بار، یه مهمونی، یه کافه در زمان ناهار، یه محل ساخت و ساز، یه اتوبوس.

And you understand nothing, and you decide your English has gone backwards overnight.

.....

و تو هیچی نمی فهمی و تصمیم می گیری که انگلیسی تو یه شبه به عقب رفته

It has not gone backwards.

.....

به عقب برنگشت.

It is physics.

.....

این یه موضوع فیزیکه

Say more about that.

.....

بیشتر در موردش بگو

Native speakers do not hear well in a loud bar either.

.....

همچنین در این زبان‌ها، صدای خنثی در یک نت نیز وجود ندارد.

Nobody does.

.....

هیچکس نمیخواند

The sound is simply not there.

.....

صدای اون همینجا نیست

So why do they manage?

.....

پس چرا موفق میشن؟

Because they are guessing better.

.....

چون اونا بهتر حدس میزنن

They know the words that are probably coming, so their brain fills the gaps.

.....

آنها کلماتی را که احتمالاً در حال آمدن هستند را می دانند، بنابراین مغزشان شکاف‌ها را پر می کند.

And we have fewer words to guess with.

.....

و ما کلمات کمتری برای حدس زدن داریم

It is not your ears.

.....

گوشه نیست



You just have a smaller guessing library, and that grows.

تو فقط يه کتابخونه ي کوچکتر از حدس ها داري و اون رشد ميکنه

So what do we do tonight, in the actual bar?

خب، امشب چيکار ميکنيم، تو بار واقعي؟

Three things.

سه تا چيز

Move.

حرکت کن

Get your back to a wall, or stand at the edge of the room.

پشتت رو به يه ديوار بزن يا توي لبه اتاق بشين

The middle of a room is the worst place in it.

وسط اتاق بدترين جاي اون اتاقه

Second, confirm what you did get.

دوم، تأييد کن چي رو گرفتي

So you are saying the train was cancelled?

پس داري ميگي قطار لغو شده؟

Which keeps you in the conversation while you check.

که تو رو در حالي که چک ميکني توي مکالمه نگه ميداره

And third, the kind one.

و سومي، اون آدم مهربون

Blame the room.

اتاق رو سرزنش کن

It is so loud in here, say that again?

اينجا خيلي سر و صدا داره، دوباره بگو؟

And now it is the room's fault, not yours.

و حالا تقصير اتاقه نه تو

And the room really is at fault.

و اتاق واقعا اشتباه کرده

And accept something.

و يه چيزي رو قبول کني



What?

چی؟

You do not need one hundred per cent.

تو صد درصد بهش نیاز نداری

Seventy per cent is a conversation.

هفتاد درصدش یه مکالمه است

Ninety per cent is a very good night out.

نود درصد یه شب خیلی خوبه

A hundred per cent is an exam, and you are not in one.

صد درصد امتحانه و تو تو امتحانی نیستی

Third thing.

سومین چیز

The group.

گروه

Four people, standing in a circle, already laughing at something.

چهار نفر، توی یه دایره ایستاده بودن، و دارن به یه چیزی میخندیدن.

And you are holding a drink, two metres away.

و تو یه نوشیدنی نگه داشته ای، دو متر دورتر.

And you are waiting for a gap.

و تو منتظر یه شکاف هستی

And the gap never comes.

و اون شکاف هیچوقت پیدا نمیشه

Groups often have only very short gaps.

گروه‌ها اغلب فقط شکاف‌های بسیار کوتاهی دارند.

That is what makes them groups.

اینها را گروه‌های زیر می‌نامند.

So what do you do?

پس تو چیکار میکنی؟

Two parts, and the first is your feet.

دو تا قسمت داره، و اولیش پاهاست هستن.



My feet?

.....

پاهام؟

Do not stand behind somebody.

.....

پشت سر کسی نشین

Stand at the edge of the circle, where somebody can see you without turning their whole body.

.....

در لبه دایره ایستاده باشید که کسی بتواند شما را ببیند بدون اینکه بدنش را بچرخاند.

Because a circle with a person behind it will close.

.....

چون یه حلقه با یه نفر پشتش بسته میشه

A circle with a person at the edge will open.

.....

یک دایره با یک نفر در لبه باز خواهد شد.

And the second part?

.....

و قسمت دوم؟

You speak before the gap.

.....

تو قبل از فاصله زمان صحبت کن

Sorry to jump in, did you say you were from Krakow?

.....

ببخشید که وارد شدم، گفتم که اهل کراکوف هستی؟

To jump in.

.....

برای پرش

To join a conversation that has already started.

.....

برای پیوستن به یک مکالمه که از قبل شروع شده است.

And the rude version is to butt in.

.....

و نسخه بی ادبی هم اینه که توی اون بشینی

Over the top of somebody.

.....

از روی یه نفر

And here is the trick that makes jumping in safe.

.....

و این حقه ای هست که پریدن تو رو امن میکنه

Ask about something you just heard.

.....

ازم درباره چیزی که شنیدی بپرس

Because now you are not interrupting.

.....

چون الان دیگه مزاحم نمیشی



You are listening out loud.

.....

تو با صدای بلند گوش میدی

Now, the generous version.

.....

حالا، نسخه سخاوتمندانه

The thing nobody teaches, and the most powerful thing in this episode.

.....

این کتاب از مهم‌ترین آثار اوست و در این زمینه هیچ‌کس از او پیشی نگرفته است.

Let somebody else in.

.....

بذار یکی دیگه بیاد تو

Yes.

.....

آره، آره

You are in the group now.

.....

تو الان تو گروهی

And there is somebody standing just outside it, holding a drink, waiting for a gap that is not coming.

.....

و یه نفره که بیرون ایستاده یه نوشیدنی در دست گرفته منتظر یه تخلیه ای که نیاد

And you remember exactly how that feels, because it was you nine minutes ago.

.....

و تو دقیقا یادت میاد که چه حسی داره، چون نه دقیقه پیش تو بودی.

So you turn slightly, and you make room, and you say.

.....

پس کمی میچرخ و جا میسازی و میگی

Have you two met?

.....

شما دو تا همدیگه رو دیدید؟

And you do not need to know anything about them.

.....

و تو نیاز نداری که چیزی در مورد آنها بدونی

You can literally find out their name two seconds before you say it.

.....

شما میتونید اسمشون رو دو ثانیه قبل از اینکه بگین بفهمید

And if you do this, you become the person everybody wants at a party.

.....

و اگه این کارو بکنی، تو اون کسی میشی که همه تو یه مهمونی میخوان

Not the funniest.

.....

خنده دار نیست

Not the best English in the room.

.....

بهترین انگلیسی حرف میزنه تو اتاق نیست



The person who makes room.

.....

اون کسی که فضا رو باز میکنه

And the fourth thing.

.....

و چهارم

Leaving.

.....

دارم میرم

Which we have covered before on this show, so quickly, as a reminder.

.....

که قبلا در این برنامه به طور سریع به عنوان یادآوری پوشش داده شد

A good exit has three parts, and most people only use one.

.....

یک خروج خوب سه قسمت دارد و بیشتر مردم فقط از یکی استفاده می کنند.

Give me the three.

.....

سه تا رو بده به من

One, point at the door.

.....

یک، به در اشاره کن

I should get going.

.....

باید برم

Two, say the encounter was worth it.

.....

دوم، بگید که این ملاقات ارزشش رو داشت

It was really good to meet you.

.....

از دیدنتون خیلی خوشحال شدم

Three, name the future.

.....

سه، آینده رو اسم بزن

See you next week?

.....

هفته دیگه میبینمت؟

And if you only use part one?

.....

و اگه فقط از قسمت اول استفاده کنی؟

It sounds like escape.

.....

به نظر فرار میاد

Because it is escape.

.....

چون فرار کردنه



And if you only use part two, you do not move.

و اگه فقط از قسمت دوم استفاده کنی، حرکت نمیکنی.

Then you are still in the insurance conversation.

پس تو هنوز تو گفتگوی بیمه هستی

Do not say that word again.

دیگه اون کلمه رو نگو

And one variant, which is the kindest sentence in the English language.

و یه نوع دیگه که مهربون ترین جمله در زبان انگلیسیه

Which one?

کدوم یکی؟

I should let you go.

باید بذار برم

You give them the exit.

تو بهشون خروجی بده

You hand it to them.

تو بهشون بده

And nobody has ever been offended by being released.

و هیچکس هیچوقت به خاطر آزاد شدنش اذیت نشده

So.

پس

Juan.

خوان

Two scenes, and both in the same month.

دو تا صحنه، هر دو در یه ماه

The welcome party for his course, first.

اول مهمونی خوش آمدگویی به دوره ی اون

Did he survive?

زنده موند؟

He used all four.

از هر چهار تا استفاده کرد



He asked a girl to repeat something twice, he blamed a speaker that was too loud, and he jumped into a group by asking about a film he had heard them mention.

او از یک دختر خواست که چیزی را دو بار تکرار کند، یک بلندگو را که خیلی بلند بود سرزنش کرد و با پرسیدن درباره فیلمی که شنیده بود از آن صحبت می‌کند، به گروهی پیوست.

And the exit?

و خروجی؟

Three parts, and he says he could hear himself doing it, like a man following a recipe.

سه قسمت و اون می‌گه که صدای خودش رو می‌شنوه که داره انجامش میده مثل یه مرد که یه دستورالعمل رو دنبال میکنه
But that is not the part you want to tell me.

اما این قسمتی نیست که میخوای بهم بگی

No.

نه، نه، نه.

Near the end of the night, he was in a group, and there was a man standing just outside it, holding a drink, waiting.

در پایان شب، او در گروهی بود و مردی در بیرون ایستاده بود، یک نوشیدنی را در دست داشت و منتظر بود.

Oh.

اوه

And Juan asked him his name, and then turned to the group and said, have you met Andrei?

و خوان ازش اسمش رو پرسید و بعدش به گروه برگشت و گفت، "آندریه رو دیدید؟"

He had known him for four seconds.

او را چهار سال در آنجا می‌شناختند.

Four seconds.

چهار ثانیه

And Andrei is now the person he studies with on Tuesdays.

و الان "آندری" همون کسیه که سه شنبه ها باهاش درس میخونه

And the second scene?

و صحنه دوم؟

The second scene is the job.

دومین بخش، شغل است.

He got the job?

اون شغل رو گرفت؟



He got the job.

اون شغل رو گرفت؟

A café near the station, weekends and two evenings.

یه کافه نزدیک ایستگاه، آخر هفته ها و دو شب

Tell me about the interview.

در مورد مصاحبه بهم بگو

Halfway through, the manager asked him something about availability, the coffee machine was going, and he did not catch the end of it.

در نیمه راه، مدیر ازش یه چیزی در مورد دسترسی پرسید، ماشین قهوه درست کار میکرد، و اون آخرش رو نفهمید.

And he nodded.

و اون هم سرش رو تکون داد

He did not nod.

اون سرش رو تکون نداد

He said, sorry, I did not catch the last bit.

گفت متاسفم، آخرش رو نفهمیدم

And?

و؟

And he got the job.

و اون شغل رو گرفت

Because of his English?

به خاطر انگلیسی؟

Not because of his English.

نه بخاطر انگلیسی اش

Weeks later, the manager told him why.

چند هفته بعد، مدیر بهش گفت چرا.

Why?

چرا؟

She said, half the people I interview nod when they have not understood me.

او گفت که نیمی از افرادی که با آنها مصاحبه کردم وقتی که من را درک نکردند به سر تکان می دادند.

And in a café.

و توی یه قهوه خانه



And in a café, somebody who nods instead of asking can get an order wrong.

و توي يه كافه، كسي كه به جاي اينكه سوال كنه، سرش رو تكون ميده، ميتونه اشتباه سفارش بگيره.

Right.

درسته

Three sentences.

سه جمله

Listen, and repeat in the pause.

گوش كن و در زمان استراحت تكرر كن

Sentence one, the specific repair.

جمله ي اول، تعميرات خاص

Sorry, I did not catch the last bit.

متاسفم، قسمت آخر رو نشنيدم

Would you mind saying it again?

ميشه دوباره بگي؟

Sentence two, joining a group.

جمله دوم، به يه گروه ملحق شدن

Sorry to jump in, did you say you were from Krakow?

بخشيد كه وارد شدم، گفتي كه اهل كراكوف هستي؟

And sentence three, the generous one.

و جمله سوم، سخاوتمندانه

Have you two met?

شما دو تا همدیگه رو دیدید؟

This is Andrei.

اين "آندري"ه.

All three again.

دوباره همشون

Sorry, I did not catch the last bit.

متاسفم، قسمت آخر رو نشنيدم

Would you mind saying it again?

ميشه دوباره بگي؟



Sorry to jump in, did you say you were from Krakow?

ببخشید که وارد شدم، گفتی که اهل کراکوف هستی؟

Have you two met?

شما دو تا همدیگر رو دیدید؟

This is Andrei.

این "آندری" ه.

Notice that none of the three are apologies for your English.

توجه کن که هیچ کدام از این سه تا عذرخواهی برای انگلیسی تو نیست

Not one.

نه یه نفر

Sorry to jump in is manners, not shame.

ببخشید که اومدم اینجا، این یه آداب و رسومه، نه شرم.

And our sentence of the day.

و جمله روزمون

Ready?

آماده ای؟

You do not need to understand every word.

لازم نیست که هر کلمه رو بفهمی

You need to stay in the room.

تو باید تو اتاق بمونی

You do not need to understand every word.

لازم نیست که هر کلمه رو بفهمی

You need to stay in the room.

تو باید تو اتاق بمونی

One more time, with us.

یه بار دیگه، با ما.

You do not need to understand every word.

لازم نیست که هر کلمه رو بفهمی

You need to stay in the room.

تو باید تو اتاق بمونی



So here is your task this week.

.....

خب این کار تو برای این هفته است

One repair.

.....

یه ترمیم

When you do not catch something, do not nod.

.....

وقتی یه چیزی رو نمی فهمی، سرت رو بالا نبر

Say what you missed, specifically.

.....

بگو چه چیزی رو از دست دادی، مخصوصا

The name.

.....

اسمش رو

The last bit.

.....

آخرین قسمت

Which day.

.....

چه روزی

And if you manage a second thing, make room for somebody.

.....

و اگه یه کار دیگه هم انجام بدی، جایی برای یکی دیگه باز کن

Four words.

.....

چهار کلمه

Have you two met?

.....

شما دو تا همدیگه رو دیدید؟

Next time, something different.

.....

دفعه بعد، یه چیز متفاوت

Something we have been building towards for four episodes.

.....

این مجموعه در چهار قسمت ساخته شده است.

For four conversations, we have been telling you about somebody.

.....

برای چهار مکالمه، ما داشتیم راجع به یه نفر بهت میگفتیم.

Juan, from Barcelona, in Wolverhampton.

.....

خوان، از بارسلونا، توی ولورهمپتون

The bus stop in the rain.

.....

ایستگاه اتوبوس در باران



The fourteen questions.

.....

چهارده سوال

The three days ill in bed.

.....

سه روز بیمار در تخت

Next time, he is here.

.....

دفعه بعد، اون اینجاست.

And he tells it himself.

.....

و خودش هم میگه

Everything from today, the transcript, the vocabulary, and the three sentences, is waiting for you at
youenglishtoolbox.com.

.....

همه چیز از امروز، رونوشت، واژگان، و سه جمله، منتظر شماست در youenglishtoolbox.com.

With translations, flashcards and downloadable PDFs, completely free.

.....

با ترجمه، کارت‌های گرافیکی و فایل‌های PDF قابل دانلود، کاملاً رایگان.

Thank you for spending this time with us.

.....

ممنون که این مدت رو با ما گذروندی

And this week, do not nod.

.....

و این هفته، سرت رو بالا نکن

See you in the next one.

.....

در قسمت بعدی میبینمت

